خرابات

لولی‌وش عاشق

جواد طوسی

● می‌گویند بخشی از وجود و پیکره هنرمند به ویژه آهنگ‌ساز ریشه در جنون دارد. ناصر چشم‌آذر چنین روحیه سرکشی داشت. جدا از دافعه‌های ظاهری و خلق‌وخوی غیرقابل پیش‌بینی‌اش، باید با او قاطی می‌شدی و به خلوتش راه می‌یافتی تا ببینی با چه موجود نازنینی طرف هستی. ناصر چشم‌آذر را دورادور از سنین نوجوانی و جوانی می‌شناختم. همان‌موقع که با طوفان و برادرش منوچهر، گروه چشم‌آذر را تشکیل دادند و بعضی از ترانه‌های دسته‌جمعی‌شان مانند «محله قدیمی»، «خدای آسمون‌ها»، «یار خوب و نازنینم» و «عید شما مبارک»، از سوی من و دوستان بچه محلم زمزمه می‌شد و کاست این آهنگ‌ها و ترانه‌ها از سوی «سوپر آرمون» در میدان ۲۵ شهریور آن موقع به بازار می‌آمد. مدتی هم او سرپرست گروه موسیقی شوی تلویزیونی پرویز قریب‌افشار شد.اما جدا از آهنگ‌هایی که چشم‌آذر برای تعدادی از خوانندگان قدیمی پاپ و سنتی ساخته و تنظیم کرده و از نظر ملودی و ترکیب سازها و اجرا بحث مستقلی را می‌طلبد، آنچه به چهره و شناسنامه هنری او اعتبار بیشتری بخشید، جایگاه قابل اعتنایش در موسیقی فیلم این دوران است. لحن نوستالژیک و سرخوشانه و پرحس‌وحال موسیقی‌های متن او برای مجموعه تلویزیونی «قصه‌های مجید» و فیلم سینمایی «خواهران غریب» کیومرث پوراحمد و درک بصری کم‌نظیرش در موسیقی فیلم‌های «قارچ سمی» رسول ملاقلی‌پور و «هامون» داریوش مهرجویی و «ای ایران» ناصر تقوایی و همراهی درست سازها با یک قصه حادثه‌ای عامه‌پسند در «تاراج» و تنظیم چیره‌دستانه موسیقی متن فیلم «سرب» مسعود کیمیایی، نشانه‌هایی از ذوق هنرمندانه‌اش است.چشم‌آذر در زمینه موسیقی فیلم، بیشترین همکاری را با سیروس الوند، داریوش مهرجویی، تهمینه میلانی و کیومرث پوراحمد داشته است. آهنگ‌ساز موردعلاقه‌اش «المر برنستاین» بود و این تعلق خاطر را می‌توان در نوع سازهای انتخابی و وجه ملودیک آثارش حس کرد. در میان قطعات بدون کلام چشم‌آذر، «باران عشق» یک استثنا و نمونه‌ای مثال‌زدنی از ذوق هنری و حس عاشقانه اوست.در اتاق کار ناصر چشم‌آذر یک تابلوی نقاشی از چهره او در کنار چند آهنگ‌ساز موردعلاقه‌اش به چشم می‌خورد. او درباره منطق تصویری این تابلو فروتنانه می‌گفت که من در کنار این دوستان و همکاران مورد علاقه‌ام، هویت پیدا می‌کنم. آن‌سوتر، یک شمایل بزرگ حضرت علی(ع) نصب شده بود که نشان از ارادت خاص او به این شخصیت مذهبی داشت. ناصر چشم‌آذر با این تناقض غریب هنرمندانه و شوروحال و جنون سرشار، زود از میان ما رفت. یادش گرامی و باران عشق بر وجود نامیرایش.

جارچی

پیکر ناصر چشم‌آذر تشییع شد

● مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر آهنگ‌ساز و نوازنده پیش‌کسوت موسیقی کشورمان صبح روز گذشته، یکشنبه شانزدهم اردیبهشت در تالار وحدت تهران برگزار شد. در این مراسم بیتا فرهی بازیگر سینما قطعه‌ای ادبی از بابک صحرایی را برای حاضران قرائت کرد و گفت: مرگ ناصر چشم‌آذر واقعا ناگهانی بود و همه ما را متأثر کرد. شیرین احمدلو همسر زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر نیز در این مراسم گفت: «ناصر تنها عشق من بود. من خیلی مواظب او بودم و سعی کردم قدرش را بدانم، من از همه شما مردم عزیزم ممنونم که همیشه همراه ما بودید و حالا خوشحالم که رعنا دخترم را دارم و می‌توانم با او حق ناصر را بگیرم». منوچهر چشم‌آذر برادر مرحوم ناصر چشم‌آذر نیز در پیام تلفنی که از خارج کشور به این مراسم ارسال کرده بود، گفت: «من و ناصر از همان ابتدا یک هدف را دنبال می‌کردیم و می‌توان گفت یک روح در دو بدن بودیم. ما همیشه می‌خواستیم انسان‌های مؤثری برای وطن باشیم. به‌طور حتم یاد او زنده است و قطعا مانند گذشته جایگاه والایی خواهد داشت زیرا هنرمند واقعی در هیچ شرایطی نمی‌میرد». پوری بنایی بازیگر قدیمی سینما هم در این مراسم توضیح داد: «من و ناصر چشم‌آذر در یک دوره از آمریکا به ایران بازگشتیم. من همیشه به او می‌گفتم باید در ایران باشی و در کشور خودت به کارهایی که مدنظر داری، ادامه بدهی. غم ازدست‌دادن او برای همه ما سخت است و من می‌دانم همسرش شیرین احمدلو چقدر بزرگوارانه در زندگی او کنارش حضور داشت. ای کاش که هفته گذشته به تلویزیون نمی‌رفت که این‌چنین با او برخورد شود». پیکر زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر پس از اقامه نماز میت توسط حجت‌الاسلام دعایی به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) تشییع شد. مراسم یادبود زنده‌یاد ناصر چشم‌آذر ساعت ۱۷ تا ۱۸:۳۰روز سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت در مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم تهران برگزار می‌شود.

گفت‌وگو با سید محمود حسینی، از گزینه‌های شورا برای شهرداری تهران

تهران باید مشارکت‌محور اداره شود

بازآفرینی و رویکرد حکمروایی خوب شهری محور اصلی صحبت‌ها و برنامه سیدمحمود حسینی، کاندیدای شهرداری تهران، است. محمود حسینی کارنامه‌ای موفق در استانداری سیستان‌وبلوچستان و اصفهان داشته و معتقد است ما برای اداره تهران چاره‌ای جز حرکت به سمت حکمروایی خوب شهری نداریم. شهر تهران را نمی‌توان با یک ساختار مدیریت سنتی و متمرکز و از بالا به پایین اداره کرد. به عقیده او شهر نباید کالبدی اداره شود، باید مشارکت‌محور بوده و ذی‌نفعان و نهادهای مدنی در اداره شهر حضور مؤثر داشته باشند. مصاحبه زیر حاصل گفت‌وگوی «شرق» با سیدمحمود حسینی است.

عکس: احسان قلمچی

شما در برنامه‌های خود به‌عنوان کاندیدای شهرداری تهران مرتبا بر حکمروایی خوب شهری به‌عنوان مدل اداره شهر تأکید کرده‌اید. این حکمروایی خوب در عمل چطور و در چه حوزه‌هایی تأثیرگذار خواهد بود؟

برای پاسخ به این سؤال ابتدا باید تهران را بهتر بشناسیم. تهران فراتر از یک کلان‌شهر و یک اَبَرشهر- پایتخت است، به اندازه شش کلان‌شهر ایران جمعیت دارد، از هر ۹ ایرانی یک نفر در تهران زندگی می‌کند و حدود یک‌چهارم اقتصاد ملی در این شهر متمرکز است. این ابرشهر-پایتخت علاوه بر اینکه باید مشکلات و مسائل خودش را حل کند، باید بار پایتخت‌بودن را نیز بر دوش بکشد و هزینه‌های اجرانشدن درست آمایش سرزمینی نیز بر دوش تهران تحمیل می‌شود. مجموعه مسائلی که تهران با آن مواجه است، بسیار پیچیده و کلان است و دیگر نمی‌توان با یک مدیریت سنتی و متمرکز این شهر را اداره کرد. ما درحال‌حاضر با مشکلاتی نظیر عدم زیست‌پذیری، مشکل جابه‌جایی و حرکت و پایین‌بودن کیفیت زندگی مواجه هستیم. با وجود این مشکلات شرایط زیست‌پذیری مناسبی برای شهروندان تهران فراهم نیست. برای اداره شهر تهران و حل‌کردن این مشکلات و پیچیدگی‌ها باید از تجارب دنیا در اداره ابرشهرها و کلان‌شهرها استفاده کنیم. به‌ویژه یادمان باشد که شورای پنجم با شعار و آرمان‌های اصلاح‌طلبی وارد شده است و مردم به این شعارها و رویکرد رأی داده‌اند و انتظارات‌شان از این شورا متفاوت است. از سویی وجه مهم اصلاح‌طلبی مشارکت‌پذیری و مردم‌سالاری است. مدلی که امروز در دنیا به‌عنوان آخرین مدل مدیریت شهری مطرح است، مترادف با حکمروایی خوب شهری است که به‌عنوان یک ارزش حاکم باید به آن توجه ویژه شود. در این مدل عدالت، مشارکت، شفافیت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، حاکمیت قانون و اجماع‌پذیری گنجانده شده و مدلی است که تجربه جهانی، موفقیت آن را تجربه کرده است.

به طور مثال در بحث شفافیت به‌عنوان بحث محوری حکمروایی خوب باید از استقرار فرایندهای شهر هوشمند استفاده شود. شهر هوشمند به معنای بهره‌وری از فناوری برای بهبود کیفیت زندگی شهروندان است؛ اما اشتباهی که می‌شود، این است که عده‌ای فکر می‌کنند شهر هوشمند فقط به معنای بهره‌گیری از سخت‌افزارهای فناوری است یا با کارگذاشتن دوربین‌های بیشتر در شهر تأمین می‌شود؛ درحالی‌که شهر هوشمند به معنای بهره‌برداری یا استفاده از داده‌ها و بهره‌گیری از فناوری آی‌تی برای افزایش بهره‌وری و کارآمدی، شفافیت و فسادستیزی است.

به گواه مطالعاتی که در این چند سال آخر در تهران انجام شده است، احساس هویت و تعلق محلی میان شهروندان بسیار پایین است، همین‌طور اعتماد به مجموعه شهرداری و مدیریت شهری. به نظر می‌رسد تهرانی‌ها به شهر خود پشت کرده‌اند یا از آن ناامیدند. شما برای برگرداندن روی مردم به شهر چه برنامه‌ای دارید؟

همان‌طور که گفتم، مسائل تهران درهم‌تنیده و پیچیده هستند. نمی‌توانیم از روش‌هایی که قبلا استفاده می‌کردیم، باز هم استفاده کنیم. همان‌طور که نمی‌توانیم چیزهایی را که قبلا داشتیم، تخریب کرده و جای آن چیز تازه‌ای نداشته باشیم، کل پاسخ من به سؤال شما در طرح «بازآفرینی شهری» تعریف می‌شود، در بازآفرینی شهری همه کنشگران و ذی‌نفعان و دخیلان در توسعه شهر به طور کامل دیده شده و تعامل آنها با هم تعریف شده است، سیاست‌گذاران، سازمان‌های مردم‌نهاد، بخش خصوصی، شهروندان و ساکنان در قالب یک تقسیم کار مشترک باید با هم ایفای نقش کنند و این ایفای نقش‌ها باید به گونه‌ای پیش رود که مردم در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری آن نقش داشته باشند.

در برنامه بازآفرینی شهری «مرکز توسعه محله» و «نهاد توسعه محله» دیده شده است. دستور کار این مراکز توسعه محله‌ای و پایش آن است. این یک تجربه جهانی است که سازمان ملل آن را معرفی کرده، در کشورهای مختلف اجرا شده و در ایران هم مطالعه و بومی شده است و قابلیت اجرائی دارد. نکته این است که خود شهرداری باید بپذیرد که کار را براساس اجتماعات محلی تعریف کند. اگر تعامل با نهادهای مختلف و قشرهای مختلف مردم درست تبیین و اجرا شود، قابل تحقق است. البته یک تغییر نگرش و یک تغییر پارادایم بزرگ برای مدیریت شهری است. اگر بخواهید به سمت بازآفرینی شهری با رویکرد محله‌محوری برویم، با لحاظ همه نیازهای مردم برویم باید همه گروه‌های شهروندی را در آن ببینیم. این سازمان‌دهی در نهایت هم می‌تواند احساس اعتماد را زنده کند و هم مشارکت‌جویانه است و در نهایت ضامن تعلق محله‌ای و احساس هویت است.

اما توجه داشته باشید که در سه سال نمی‌توان تهران را از این‌رو به آن‌رو کرد؛ ولی می‌شود در این مسیر گام نهاد و همیشه این شروع است که سخت است. اگر کاری را با وجود سختی‌ها درست شروع کنیم، با بودن یا نبودن ما نیز پیش خواهد رفت.

آقای حسینی شما اولین نفری نیستید که از مشارکت شهروندان و جلب اعتماد آنها حرف می‌زنید، چرا فکر می‌کنید شما می‌توانید این راه را بروید درحالی‌که دیگران هم می‌خواستند و نتوانستند؟

به‌خاطر اینکه تجربه این اقدامات را پیش‌تر داشته‌ام. زمانی که استاندار سیستان‌وبلوچستان بودم، محله‌هایی در زاهدان داشتیم که از محله‌های حاشیه‌ای زاهدان بود به اسم محله شیرآباد و کریم‌آباد. این محلات بافت‌های ناپایدار و فرسوده و غیرقابل‌دسترسی داشتند. در دوره‌ای که استاندار بودم، با حمایت UNDP و همکاری دکتر پرویز پیران یک محله‌ای را که به دلیل نفوذناپذیری حتی امکان تخلیه زباله هم نداشت با همکاری شهرداری و مردم و دستگاه‌های عمرانی؛ مثل بنیاد مسکن و وزارت راه، تبدیل به محله‌ای متفاوت کردیم. حتی در این محلات، مردم شهردار محلی انتخاب کردند، بافت را بازآفرینی کردند، خانه‌ها سند گرفتند و راه‌ها تعریض شدند، خود مردم هم تصمیم می‌گرفتند و شهرداری فقط نظارت خودش را بر این روند داشت و هماهنگی‌ها را انجام می‌داد. وقتی نمایندگان UN بعد از اجرای طرح برای بازدید آمدند، فکر کردند به‌اشتباه به منطقه دیگری آمده‌اند. بنابراین می‌شود، ولی مدیریت هماهنگ و اراده می‌خواهد، خود مردم هم تمایل دارند که مشکلات با نظر و مشارکت خودشان حل شود. ما ظرفیت و دانش بومی و تجارب زیست جمعی مردم را برای حل مشکلاتشان نادیده می‌گیریم و از آن کمتر استفاده می‌کنیم.

بودجه سال ۹۷ شهرداری تهران با ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بسته شده، ولی این مجموعه با بیش از ۵۲ هزار میلیارد تومان بدهی و ۳۵ هزار میلیارد تومان پروژه‌های نیمه‌تمام روبه‌روست که میزان بدهی‌ها در چهارسال آینده به بیش از ۸۵ هزار میلیارد و پروژه‌های نیمه‌تمام نیز به بیش از ۴۲ هزار میلیارد تومان بالغ خواهد شد. بنابراین درنظرگرفتن منابع درآمد پایدار که شهرداری در شرایط کنونی از آن بی‌بهره است، برای این مجموعه حیاتی است. برنامه شما برای این بخش چیست؟

تقویت منابع درآمدی شهر تهران و ایجاد منابع درآمدی پایدار در گرو توسعه اقتصاد شهر است. اقتصاد پویای شهری، منجر به ایجاد منبع درآمد پایدار برای شهرداری خواهد شد. در این راستا ما دو محور مهم را دنبال خواهیم کرد:

«توسعه پایدار اقتصاد محلی (مبتنی‌بر کارآفرینی و بهبود فضای کسب‌وکار)» و «تأمین منابع مالی مناسب و پایدار برای شهرداری».

توسعه پایدار اقتصاد محلی با هدف رونق اقتصاد شهر بر پایه ظرفیت‌های محلی و منطقه‌ای و ملی است و در این زمینه راهبردهایی مانند تعیین مزیت‌های رقابتی در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی، تعیین نقشه راه تهران در اقتصاد کشور و منطقه و کاهش هزینه مبادله در اقتصاد شهر اتخاذ می‌شود.

شهر تهران دارایی‌های فراوانی دارد؛ دارایی‌های شناخته‌شده و دارایی‌هایی که هنوز شناسایی نشده‌اند. نهادها، سازمان‌ها، بنگاه‌ها، اشخاص و افراد مختلف و ذی‌نفعان بسیاری از این دارایی‌ها بهره می‌برند و حقوق شهر و شهروندان را اعاده نمی‌کنند. حتی دولت تعهدات قانونی خود را که ناشی از بهره‌برداری از دارایی‌های تهران است و باید در قالب سهم شهرداری تهران بپردازد، با هزار اماواگر تأدیه می‌کند. آسمان تهران، معابر تهران، مناظر شهری، فضاهای عمومی، محیط زیست، ابرداده‌های شهری، فضای کسب‌وکار، فرصت‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت‌پذیری، حتی بازارهای مالی و سهام‌داری شهری، بازار بدهی و روش‌های نوین و خلاقانه ایجاد و انباشت ثروت عمومی برای شهر همه‌وهمه دارایی‌های تهران‌اند که باید از آنها به‌عنوان منبع تأمین درآمدهای جاری و عمرانی و نیز انباشت سرمایه‌های میان‌نسلی استفاده شود.برای رسیدن به یک توسعه پایدار در اقتصاد محلی، باید رصدخانه اقتصادی شهر تشکیل و گزارش‌های منظمی در زمینه اقتصاد شهر تهیه شود، برای فعالیت‌های تولیدی پاک و دانش‌بنیان تسهیلات مناسب در نظر بگیریم و شهرک‌های کارگاهی با رویکرد اقتصاد دانش‌بنیان و استفاده از تجارب موفق جهانی مورد حمایت قرار گیرند. باید به‌جای ساختن مجتمع‌های تجاری سنتی و مال‌های شبه‌مدرن اشباع‌شده به سمت ایجاد این شهرک‌ها پیش برویم.

تسهیل شناسایی فرصت‌های کسب‌وکار توسط شهروندان با تهیه اطلس کارآفرینی و بازنگری در طرح تفصیلی شهر تهران برای حمایت از پروژه‌های گردشگری از سایر اقداماتی است که در این زمینه مثمرثمر است.

یکی از مواردی که بر تأمین منابع مالی پایدار برای شهرداری ارجحیت دارد، اصلاح ساختار بودجه‌ریزی و مدیریت منابع و مصارف است. برای این منظور یکی از رئوس کار می‌تواند بررسی و بازنگری در رئوس وظایف شهرداری باشد. این بازبینی در نهایت منجر به قانونمندی هزینه‌کرد شهرداری و در نتیجه کاهش مصارف و هزینه‌ها خواهد شد.

استقرار نظام قیمت تمام‌شده به تفکیک منطقه و سازمان، حفظ و افزایش سهم شهر تهران در دریافت مالیات، ایجاد بستر سازماندهی نیروهای داوطلب، مخصوصا بازنشستگان در محلات، جلب مشارکت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی، واقفین، خیرین و سپردن بخشی از وظایف شهر به این افراد از سایر اقداماتی است که در زمینه رسیدن به منابع پایدار درآمدهای شهری باید در دستور کار قرار گیرد. یکی از منابع مهم درآمدهای پایدار شهری، داده‌های کلان و ابرداده‌ها و داده‌های باز برای ایجاد کسب‌وکارهای نو است که معمولا در معادلات مغفول مانده است. شهرداری تهران به واسطه وظایف خود، به منابع اطلاعاتی عمومی مهمی از شهروندان دسترسی دارد که می‌تواند با مدیریت مناسب این اطلاعات، منابع درآمدی مناسبی را به خود اختصاص دهد. این اطلاعات کلان می‌توانند در زمینه هوشمندسازی شهر تهران نیز استفاده شوند.

با توجه به تجربه آقای نجفی و فشارهای مختلف گروه‌های ذی‌نفع و منتفع در شرایط موجود، شما فکر می‌کنید تا چه حد برای اجرای برنامه‌های خود توان مقاومت دارید؟

اگر بخواهیم روش‌های خود را اجرا کنیم، طبیعی است که با فشار و هجمه مواجه بشویم؛ اما مهم این است که چگونه می‌توان تعامل کرد. اگر فشارها و انتظاراتی که مطرح می‌شود از جنس منافع شخصی یا گروهی باشد، شهردار حق ندارد حق شهر و شهروندان را واگذار کند. باید بین تقاضاها تفکیک قائل شویم. اگر تقاضاها صرفا زمینه اختلاف روش‌ها و سیاست‌ها باشد، می‌توان تعامل کرد و باید در فضایی شفاف و نظارت‌پذیر با همه ذی‌نفعان و کنشگران گفت‌وگو کرد. نباید شهرداری را وارد جنجال‌های سیاسی کرد. باید سعی کنیم آرامش بر فضای مدیریت شهری حاکم شود. شهر را باید با خرد جمعی و با درنظرگرفتن سلایق مختلف اداره کرد. من اهل تعامل هستم، ولی اهل معامله نیستم و در برابر فشارهای خاص گروه‌های خاص که منجر به ضایع‌شدن حقوق شهروندان شود، کوتاه نخواهم آمد.

بهترین‌های بازیگری تهران برگزیده شدند

شب کشاورز، ریاحی و وحدت

در جشن بازیگر، هوتن شکیبا، رضا بهبودی، بهنام شرفی و فرزین محدث بهترین بازیگران مرد و الهام شعبانی، آوا شریفی و گلچهره سجادیه بهترین بازیگران زن سال ۹۶ شدند و از محمدعلی کشاورز، شهلا ریاحی، نصرت‌الله وحدت، بهزاد فراهانی و پری امیرحمزه تجلیل شد. مراسم جشن بازیگر خانه تئاتر با حضور جعفر پناهی، کارگردان سینما، ایرج راد، بهزاد فراهانی، پرویز پورحسینی، سهراب سلیمی، مریم معترف، رضا ناجی، اسماعیل خلج، ناصر آقایی، شهرام کرمی، اشکان خطیبی، آناهیتا درگاهی، سیروس همتی، اصغر نوری و... برگزار شد. این مراسم با اجرای قطعات موسیقی آغاز شد و سپس در ادامه یادی از بازیگران درگذشته در سال ۹۶ از جمله عارف لرستانی، نقی سیف‌جمالی و علی رامز شد. در ادامه این برنامه، کلیپی با عنوان مروری بر شب بازیگر پخش شد که شامل تصاویری از دوره‌های مختلف این جشن بود. محمدعلی کشاورز و نماینده او در برنامه حضور نداشتند، اما نصرت‌الله وحدت برای دریافت لوح و جایزه خود روی صحنه حاضر شد. وحدت در این مراسم گفت: من از جناب عظیمی و دوستان عزیزم تشکر کرده و می‌خواهم بگویم بر آب‌ها چه رفت که زاینده‌رود پیر خود را هنوز طعمه گرداب می‌کند. آرزوی من این است که مجددا گرفتار دوربین فیلم‌برداری شوم و آرزوی دیگرم این است که باز هم به صحنه تئاتر برگشته و خاک صحنه تئاتر را بخورم. نفر سوم تقدیری، بهزاد فراهانی بود که در کنار نصرت‌الله وحدت قرار گرفت و در سخنانی کوتاه گفت: قطره دریاست اگر با دریاست. این نهادی که دوستان با عرق جبین به‌همراه آقای عظیمی پی‌ریزی کردند یاری‌گر صنوف هنری است که امیدواریم بالنده باشد. چهارمین هنرمندی که از او تجلیل شد، شهلا ریاحی بود که چندی است در بستر بیماری است. بانوی هنرمند دیگر پری امیرحمزه بود که به دلیل آسیب‌دیدگی پا در سالن حضور نداشت و به نمایندگی از او، حسین پرستار لوح تقدیر را دریافت کرد. پرستار در سخنانی گفت: بانو شهلا ریاحی اولین بانوی کارگردان در سینما هستند. در ادامه این جشن، نمایش سیاه‌بازی اجرا شد. همچنین اجرای رقص محلی آذری برنامه بعدی این مراسم بود که با استقبال حاضران مواجه شد. در بخش تقدیر از پیش‌کسوتان شهرستان از کبری ملکی، هنرمند ساکن سنندج، به‌خاطر یک عمر فعالیت هنری تقدیر به عمل آمد. او پس از دریافت لوح تقدیر گفت: با درود به شما هنرمندان عاشق که همواره در به‌ثبت‌رساندن عشق به خدای هنر و زیبایی تلاش می‌کنید و با درود و سپاس به بانیان این مراسم که با چنین حرکتی پیدایش هنری آرمان‌گرا را تحقق می‌بخشند، چراکه چنین عملکردی دیگر فرصتی برای منیت‌ها، انحصارطلبی‌ها، حذف پیش‌کسوتان، رقابت‌های ناسالم، تخریب شخصیتی و مجال‌ندادن به نیروهای فعال را رد و جنگ درونی را به انقلابی برای صلح همراهی، همیاری و ما شدن را به تصویر می‌کشد. باشد که همواره سبز سبز باشیم. محمد رئیس‌زاده‌ضیابری، هنرمند گیلانی، دیگر بازیگر پیش‌کسوتی بود که در این بخش مورد تقدیر قرار گفت. خلج پیش از اهدای این مدالیوم، یک رباعی درباره ستایش عشق خواند. رئیس‌زاده‌ضیابری پس از اینکه مدالیوم جشن بازیگر را از اسماعیل خلج دریافت کرد، گفت: زبانم قاصر است از اینکه محبت دوستان را سپاس بگویم. من از سال ۱۳۲۵ وارد تئاتر شدم و تئاتر گیلان را به مازندران، آذربایجان و حتی یزد بردم. از برگزارکنندگان این جشن بسیار ممنون هستم که به یاد من بوده‌اند و برای همه آنها آرزوی موفقیت می‌کنم. فهیمه رحیم‌نیا توسط پرویز پورحسینی تقدیر شد که این بازیگر ابتدا بیان کرد خود را لایق این تقدیر نمی‌داند، مخصوصا اینکه بهزاد فراهانی هم تقدیر شده و ممکن است عده‌ای این را پارتی‌بازی بدانند. او مدالیوم خود را از دست پرویز پورحسینی دریافت کرد. پورحسینی یادی از هوشنگ آزادی‌ور کرد که هفته گذشته در سکوت و آرامش به دیار باقی شتافته است. پورحسینی نیز با اشاره به سابقه هنری رحیم‌نیا گفت: خانم رحیم‌نیا در گروه عباس جوانمرد حضور داشتند و با بهزاد فراهانی هم همکاری داشتند. فرزندان هنرمندی هم دارند که باعث افتخار این ملک هستند. پورحسینی همچنین از هوشنگ آزادی‌ور یاد کرد که به‌تازگی مظلومانه درگذشته و گفت: آزادی‌ور دستیار آربی آوانسیان در فیلم چشمه بود و دو جلد کتاب تئاتری هم تدوین کرد. درگذشت او را تسلیت می‌گویم. مطیع در سخنانی کوتاه گفت: درود می‌فرستم برای پیش‌کسوتان هنر به‌خصوص تئاتر، یاد آنها را که درگذشتند و چراغ راه ما بودند، گرامی می‌دارم. این بازیگر در ادامه گفت: آرزو می‌کنم ای کاش در جمع شما بودم. دست شما را می‌فشردم و با صدای بلند می‌گفتم دوستتان دارم. در ادامه نماینده محمد مطیع برای دریافت مدالیوم این هنرمند روی صحنه حاضر شد. رقص محلی هنرمندان کردستان ادامه برنامه‌های جشن بازیگر بود. اهدای جایزه به برگزیدگان بازیگری در ابتدا با جایزه محمد شاکری، بازیگر خردسال نمایش الیورتوییست، به‌عنوان استعداد آینده آغاز شد. در ادامه، جایزه بازیگری زن بدون هیچ ترتیبی به الهام شعبانی (نمایش قند خون)، آوا شریفی (در انتظار آدولف) و گلچهره سجادیه (سونات پاییزی) تعلق گرفت که سجادیه در مراسم حضور نداشت. جوایز بازیگری مرد هم به فرزین محدث (شب دشنه‌های بلند)، بهنام شرفی (آبی مایل به صورتی) و رضا بهبودی (ماجرای متراناپاژ) اهدا شد که از بین آنها شرفی و بهبودی در مراسم نبودند. محمد ابراهیمیان، نمایش‌نامه‌نویس و منتقد تئاتر، در زمان اهدای جوایز فرزین محدث به‌نقل ابیاتی از فردوسی درباره بازیگری پرداخت و در ادامه به تاریخ ساخت تالار وحدت به‌منظور اجرای اپرا اشاره کرد که به‌دلیل نداشتن اپرا در این سال‌ها از آن برای اجرای موسیقی و تئاتر استفاده می‌شود. فرزین محدث هم که به شب چهلم فوت مادرش نزدیک می‌شد، از مردم خواست برایش دعا کنند از این روزهای سخت بیرون بیاید. جایزه ویژه بازیگری پانزدهمین جشن بازیگر هم توسط شهرام کرمی به هوتن شکیبا، بازیگر الیورتوییست، تقدیم شد که او هم در مراسم نبود و جایزه‌اش را اشکان خیل‌نژاد تحویل گرفت. بهزاد فراهانی در این بخش که شهرام کرمی روی صحنه بود، گفت: ما امسال اسپانسر نداشتیم و وقتی نزد آقای کرمی، مدیر کل هنرهای نمایشی، رفتیم خیلی شجاعانه پذیرفت و جوایز جشن را تقبل کرد. در ادامه نماینده تعاونی زنان سوزن‌دوز سیستان‌وبلوچستان به‌عنوان یکی از حامیان جشن بازیگر روی صحنه حاضر شد و از هنرمندان خواست از هنر دست زنان سوزن‌دوز این خطه حمایت کنند. در بخش دیگر این جشن ۱۲ داور بخش نخست پانزدهمین جشن بازیگر روی صحنه حاضر شدند و از آنها تقدیر شد که علی یعقوب‌زاده، علی طاهری، سیروس همتی، رضا آشفته، مجید قربانی، مانلی حسین‌پور، اصغر نوری و بیژن افشار در تالار وحدت حضور داشتند و خسرو احمدی، محمد صادق ملک و مهدی نصیری نیز حضور نداشتند. عباس عظیمی گفت: مؤسسه هنرمندان پیش‌کسوت بیش از ۷۰۰ هنرمند بالای ۶۰ سال را تحت پوشش دارد. سپس سهراب سلیمی، دبیر جشن‌های خانه تئاتر، از عباس عظیمی به‌عنوان نماینده خانه تئاتر تقدیر کرد. پایان‌بخش این مراسم یک عکس یادگاری از برگزارکنندگان و برگزیدگان و حاضران در تالار وحدت بود.

کن

گفت‌وگو با کارگردان فیلم برنده نخل طلای کن ۲۰۱۷

بازیگر را تشویق کن

مترجم: یاسمن جعفری

● عنوان فیلم «مربع» به منطقه‌ای آزاد و خیالی اشاره دارد که در خیابان بیرونی موزه‌ای در استکهلم واقع شده است و روی تابلوی آن در توضیح نوشته‌اند: «پناهگاهِ امید و حمایت، که در آن همه حقوق و قوانین یکسان و برابر داریم».

پیش از آنکه «مربع» نام فیلم شود، نام میدانی واقعی بوده است. روبن اوستلاند، کارگردان این فیلم که نخل طلای جشنواره کن ۲۰۱۷ را در دست گرفت، به‌همراه تهیه‌کننده‌اش، کال بومن، کار روی چیدمان مربع و سپس فیلم «مربع» را به شکل یک تحقیق اجتماعی در سال ۲۰۱۴ در موزه واندالوروم در شهر وارناموی سوئد آغاز کردند. شب افتتاحیه، جوان مستی تابلوی میدان را دزدید و پس از آن میدان به مرکزی برای کارمندان و گدایان و معترضان بدل شد. در روزهای آفتابی کارمندان ناهارشان را در آنجا صرف می‌کردند و عشاق در آن حوالی خواستگاری می‌کردند. اوستلاند درباره روند این بررسی می‌گوید: «کاربری میدان به مردم بستگی دارد. اگر از آن سوءاستفاده کنند، میدان حقیقت آن را آشکار می‌کند و اگر به‌درستی از آن استفاده کنند، میدان چیزهای جالبی از ایشان به نمایش می‌گذارد». این ایده‌ها پایه‌های اولیه ساختن فیلم بودند.

اوستلاند می‌گوید که هرگز خودش را فیلم‌ساز روایی نمی‌داند. هدفش ساخت مستند است. او تصادفا پا به عرصه ساخت فیلم‌های درام گذاشت و در سال ۲۰۱۴ با فیلم «فورس‌ماژور» درباره بهمن ویرانگری که بر زندگی یک فرد طبقه متوسط و خانواده‌اش فرومی‌ریخت، نگاه‌ها را خیره کرد. آنچه او را به وجد می‌آورد، رفتار و منش انسانی است؛ که چگونه به بحران واکنش نشان می‌دهد یا در برابر جامعه چگونه فرسوده می‌شود. غلط یا درست، شخصیت‌های اوستلاند بر پایه تصمیمات لحظه‌ای شکل می‌گیرند. می‌گوید: «تمام فیلم‌هایم در مورد انسان‌هایی است که در تلاشند تا وجهه خود را در جمع از دست ندهند».اوستلاند آنچه را سبک اسکاندیناوی می‌نامد، چنین شرح می‌دهد: «فیلم‌نامه را حتی حین فیلم‌برداری سیال نگه دار. بازیگر را تشویق کن تا نقشش را در لحظه بیابد». می‌گوید: «بازیگر را به بداهه‌کاری تشویق می‌کنید. به آنها می‌گویید در ساعات آغازین انرژی‌شان را ذخیره کنند، چراکه آخر شب، نهایت انرژی‌شان موردنیاز است، ولی تا خودشان تجربه نکنند حرفتان را درک نمی‌کنند».بی‌مقدمه برایم داستانی از ساختن یکی از فیلم‌های کوتاهش به نام «صحنه خودزندگینامه‌ای شماره ۶۸۸۲» در سال ۲۰۰۵ را تعریف می‌کند. گویا فیلم در مورد مرد تمام‌عیاری به نام مارتین است که از پل پایین می‌پرد تا دوستانش را تحت‌تأثیر قرار دهد، ولی این درام تمام زمینه‌های موردعلاقه اوستلاند، نظیر تفکر جمعی، لاف‌زنی و ترس از تحقیر در جامعه را به میان می‌آورد. پیرمردی با اشاره به اینکه چندی پیش غواصی دقیقا در همان نقطه مرده است، سعی می‌کند مارتین را از پریدن منصرف کند، ولی دقیقا به همین دلیل مارتین می‌بیند که به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند از کارش دست بکشد. اوستلاند تصمیم داشته صحنه را در حالی فیلم‌برداری کند که دوربین بین زمین و هوا، روی آب معلق است. این کار مستلزم آن بود که گروه برجی با بازوی تنظیم‌شونده بسازد که این کار حداقل یک روز از آنها وقت می‌برد، اما با دیدن صحنه از صفحه مانیتورش دریافت که تصمیم اشتباهی بوده. در آن زمان فیلم‌ساز تازه‌کار جوانی بود که با گروهی پرسابقه کار می‌کرد و دوست نداشت اعلام شکست کند. «اگر می‌گفتم ممنونم و صحنه عالیست، درحالی‌که آن تصویر را در فیلم به نمایش درنمی‌آورم، آن‌وقت مانند شخصیت فیلمم می‌شدم که نمی‌خواست وجهه‌اش را جلوی بقیه از دست بدهد. پس مجبور بودم گروه را جمع کنم و اعتراف کنم که اشتباه کرده‌ام و این خطر را به جان می‌خریدم که بعد از آن دیگر نمی‌توانستم کار کنم، ولی در واقعیت، گروه بیش از پیش به من احترام می‌گذاشت و با اذعان به ضعف، حتی قدرت و اختیار بیشتری نیز به دست آوردم».او همیشه مخالف کشتن نقش‌های روی صحنه است. «خیلی از کارگردان‌ها، چپ‌وراست شخصیت‌ها را می‌کشند. هرگز چنین چیزی را در زندگی‌ام تجربه نکرده‌ام و دوست دارم فیلم‌هایم به تجربیات واقعی شبیه باشند». گاه‌به‌گاه تهیه‌کنندگان آمریکایی فیلم‌نامه‌هایی برایش می‌فرستند. حتی اگر فیلم‌نامه پر باشد از اجساد مردگان، باز هم تهیه‌کنندگان چشم‌بسته قسم می‌خورند که داستان عاشقانه است، ولی اوستلاند هیچ علاقه‌ای ندارد در چنین فیلم‌نامه‌هایی سهمی داشته باشد. «به محض اینکه خشونت به میان می‌آید، از فیلم‌ساختن دست می‌کشم. درست است که تولید یک فیلم حادثه‌ای دراماتیک کار ساده‌ای است، ولی به نظر من انسان‌ها مقلدند و هرآنچه می‌بینند را تقلید می‌کنند. اگر صحنه دویدن مردی اسلحه‌به‌دست را بازسازی کنید